

A Community-Based Model of Spiritual Resilience Based on the Quran and Nahj al-Balagha with a Military Medicine Approach: A Thematic Analysis

Mahdi Yousefi Taha¹, Mohammad Amin Akbariqomi², Amir Vahedian-azimi^{3*}

¹ Department of Islamic Studies, Faculty of Medicine, Baqiyatallah University of Medical Sciences, Tehran, Iran

² Tehran Seminary, Tehran, Iran

³ Nursing Care Research Center, Clinical Sciences Institute, Nursing Faculty, Baqiyatallah University of Medical Sciences, Tehran, Iran

Received: 31 October 2025 Accepted: 11 November 2025

Abstract

Background and Aim: The 12-Day War against Israel inflicted not only direct physical and military damage but also significant psychological, spiritual, and social consequences for military personnel and surrounding communities. Military medicine, as a specialized and interdisciplinary field providing clinical care and psycho-spiritual resilience for armed forces, plays a crucial role in maintaining operational readiness and community rehabilitation. This study aims to present a community-based model, grounded in Islamic teachings, that aligns with the clinical, operational, and spiritual needs of military medicine, focusing on addressing spiritual injury and fostering post-war resilience.

Methods: The review study is conducted as a thematic analysis, utilizing specialized military medicine terminology such as "combat care," "battlefield stress management," "psycho-spiritual rehabilitation," "combat empowerment," and "psycho-physical readiness." Data were extracted through purposive sampling from primary Islamic texts, the Quran and Nahj al-Balagha and coded until thematic saturation was achieved in the domains of spiritual healing and resilience. Coding and theme development were conducted using MAXQDA software, version 2024.10.

Results: The analysis resulted in a four-stage framework for spiritual and resilience in military personnel and affected communities. Stage One involves the foundational redefinition of trauma as a divine test to mitigate post-traumatic psychological sequelae and strengthen the psycho-spiritual capacities essential for military readiness. Stage Two entails the recognition and acceptance of divine decree coupled with enhanced collective responsibility, which boosts team cohesion, mutual support, and operational productivity in line with military organizational values. Stage Three incorporates the application of internal coping mechanisms such as patience, gratitude, and reliance on divine support, alongside external resources like social unity, mutual aid, and social justice, to improve mental health and sustain military operational capacity. The final stage leads to spiritual resilience and collective growth, which, beyond physical rehabilitation, fosters psycho-social maturity for sustained adaptive functioning in threatening environments. Each stage is firmly grounded in Quranic verses and the teachings of Nahj al-Balagha, creating a bridge between theological perspectives and clinical/operational practice.

Conclusion: This multidimensional therapeutic model, deeply rooted in Islamic spirituality and meticulously aligned with the realities of military medicine, provides a scientifically-grounded, evidence-based framework for community-led cultural and religious rehabilitation interventions. It effectively addresses the psychological and spiritual needs arising from war-related trauma. Its evidence-based implementation promises to enhance spiritual and psychological resilience, safeguard comprehensive health, and strengthen the strategic sustainability of military organizations in complex crisis and conflict environments.

Keywords: War Trauma, Spiritual Resilience, Spiritual Growth, Military Medicine, Quran, Nahj al-Balagha.

*Corresponding author: Amir Vahedian-azimi, Email: amirvahedian63@gmail.com

مدل جامعه‌محور تاب‌آوری معنوی بر اساس قرآن و نهج‌البلاغه با رویکرد طب نظامی: یک مطالعه تحلیل مضمون

مه‌دی یوسفی‌طاها^۱، محمد امین اکبری قمی^۲، امیر واحدیان عظیمی^{۳*}

^۱ گروه معارف اسلامی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی بقیه الله (عج)، تهران، ایران

^۲ حوزه علمیه تهران، تهران، ایران

^۳ مرکز تحقیقات مراقبت‌های پرستاری، پژوهشکده علوم بالینی، دانشکده پرستاری، دانشگاه علوم پزشکی بقیه الله (عج)، تهران، ایران

چکیده

زمینه و هدف: جنگ دوازده روزه اسرائیل علیه ایران علاوه بر آسیب‌های جسمی و نظامی مستقیم، پیامدهای روانی، معنوی و اجتماعی قابل توجهی برای نیروهای نظامی و جوامع پیرامونی به همراه داشت. طب نظامی به عنوان حوزه‌ای تخصصی و میان‌رشته‌ای که مراقبت‌های بالینی و تاب‌آوری روانی-معنوی نیروهای مسلح را فراهم می‌کند، نقش مهمی در حفظ آمادگی عملیاتی و توانبخشی جامعه ایفا می‌کند. هدف مطالعه حاضر ارائه یک مدل جامعه‌محور براساس منابع اسلامی است که با نیازهای بالینی، عملیاتی و معنوی طب نظامی هماهنگ است و متمرکز بر رنج معنوی و ارتقای تاب‌آوری پس از جنگ دوازده روزه است.

روش‌ها: مطالعه مروری حاضر به صورت تحلیل مضمون با استفاده از اصطلاحات تخصصی طب نظامی مانند "مراقبت در نبرد"، "مدیریت استرس میدان جنگ"، "توانبخشی روانی-معنوی"، "توانمندسازی جنگی" و "آمادگی روانی-جسمی" انجام شد. داده‌ها از متون اسلامی (قرآن و نهج‌البلاغه) با نمونه‌گیری هدفمند استخراج و کدگذاری شدند تا به اشباع موضوعی در حوزه درمان معنوی و تاب‌آوری برسند. کدگذاری و توسعه تم‌ها با استفاده از نرم‌افزار MAXQDA نسخه ۲۰۲۴.۱۰ انجام گرفت.

یافته‌ها: تحلیل نتایج بر اساس چارچوبی چهار مرحله‌ای برای درمان معنوی و تاب‌آوری در نیروهای نظامی و جوامع متأثر انجام شد. مرحله اول بازتعریف پایه‌های تروما به عنوان آزمونی الهی برای کاهش عوارض روانی پس از ضربه و تقویت ظرفیت‌های روانی-معنوی لازم برای آمادگی نظامی است. مرحله دوم شامل شناخت و پذیرش قوانین الهی به همراه مسئولیت جمعی تقویت شده است که انسجام تیمی، حمایت متقابل و بهره‌وری عملیاتی را مطابق ارزش‌های سازمانی نظامی افزایش می‌دهد. مرحله سوم شامل به‌کارگیری مکانیزم‌های مقابله‌ای درونی مانند بردباری، شکرگزاری و اتکاء به حمایت الهی همراه با منابع بیرونی همچون وحدت اجتماعی، کمک متقابل و عدالت اجتماعی به منظور بهبود سلامت روان و حفظ ظرفیت عملیاتی نظامی است. مرحله نهایی منجر به تاب‌آوری معنوی و رشد جمعی می‌شود که فراتر از توانبخشی جسمی، بلوغ روانی-اجتماعی را برای عملکرد تطبیقی مداوم در شرایط تهدید حفظ می‌کند. هر مرحله بر اساس آیات قرآنی و آموزه‌های نهج‌البلاغه استوار است و بین دیدگاه‌های تئولوژیک و عملکرد بالینی و عملیاتی ارتباط ایجاد می‌کند.

نتیجه‌گیری: این مدل چندبعدی که عمیقاً در معنویت اسلامی ریشه دارد و به دقت با واقعیت‌های عملیاتی طب نظامی تطبیق یافته است، چارچوبی علمی و مبتنی بر شواهد برای مداخلات بازتوانی فرهنگی و مذهبی جامعه‌محور ارائه می‌کند که نیازهای روانی و معنوی پس از ترومای ناشی از جنگ را پاسخگو است. اجرای مبتنی بر شواهد آن نویدبخش ارتقای تاب‌آوری معنوی و روانی، حفاظت سلامت جامع و تقویت پایداری استراتژیک سازمان‌های نظامی در محیط‌های پیچیده بحران و درگیری است.

کلیدواژه‌ها: ترومای جنگی، تاب‌آوری معنوی، رشد معنوی، طب نظامی، قرآن، نهج‌البلاغه.

مقدمه

جنگ‌های بین‌المللی در قرن بیستم و بیست و یکم به ویژه در مقیاس قاره‌ای تجربه گسترده‌ای از پویایی‌های نظامی، سیاسی و روانی را به همراه داشته‌اند (۱) که پیامدهای پیچیده و مادام‌العمر بر سلامت روانی، اجتماعی و معنوی نیروهای مسلح و جوامع متأثر برجای گذاشته‌اند (۲). نمونه‌های بارز این جنگ‌ها شامل جنگ جهانی دوم، جنگ سرد، درگیری‌های درون‌قاره‌ای در آفریقا، جنگ‌های خلیج فارس و بحران‌های متعدد در خاورمیانه مانند جنگ‌های اعراب و اسرائیل، جنگ ایران و عراق و درگیری‌های کنونی سوریه و یمن است. این منازعات هر کدام با ویژگی‌های منحصر به فرد از نظر روش‌های نظامی، شدت تروماهای روانی و معنوی و ساختارهای حمایتی، چالش‌های خاصی برای حوزه طب نظامی و درمان‌های روانی ایجاد کرده‌اند (۳).

در خاورمیانه جنگ‌های گذشته و حال از جمله جنگ تحمیلی هشت ساله ایران و عراق، جنگ‌های اخیر در سوریه و یمن و همچنین درگیری‌های نیابتی نقش مهمی در شکل‌دهی به تجربه‌های روانی و معنوی نیروهای نظامی ایفاء کرده‌اند (۴،۵). این جنگ‌ها به دلیل پیچیدگی‌های سیاسی، مذهبی و فرهنگی، شدت استفاده از فناوری‌های نظامی مدرن و پیامدهای گسترده انسانی نمونه‌های خاصی از تروماهای روانی و معنوی به همراه داشته‌اند که نیازمند رویکردهای تخصصی و بومی شده در طب نظامی هستند (۶،۷).

ادبیات روان‌شناسی غرب به طور گسترده به مفهوم اختلال استرس پس از سانحه پرداخته است؛ با این حال این رویکردها عمدتاً فردمحور بوده و گاهی از ابعاد معنوی و فرهنگی رنج غفلت می‌کنند (۸). در جوامعی که دین نقش محوری در درک جهان دارد، نمی‌توان رنج جمعی را صرفاً یک مشکل روان‌پزشکی دانست (۹،۱۰). بنابراین به الگوهای نیاز داریم که با باورهای مردم هماهنگ باشد و رنج را در قالب معنا و هدفی والاتر بازتعریف کند. در چارچوب این پژوهش، الگوی پیشنهادی فراتر از مدل‌های رایج غربی رشد پس از سانحه است و به رشد مؤمنانه و تاب‌آوری معنوی می‌پردازد؛ مفهومی که بر اساس آموزه‌های اسلامی شکل گرفته و علاوه بر بازیابی، تحول عمیق معنوی و تکامل جامعه‌محور را شامل می‌شود. این رشد به پذیرش ابتلائات الهی، صبر جمیل، شکر و مسئولیت جمعی تأکید دارد و مسیر بلوغ معنوی پایدارتر و تکامل فردی و اجتماعی را هموار می‌سازد.

در جهان‌بینی اسلامی، رنج و سختی نه پدیده‌هایی بی‌معنا بلکه بخشی از نظام هدفمند آفرینش تحت عنوان ابتلا یا آزمون الهی هستند. قرآن مجید در آیات پرشماری انسان را هستی‌مندی جاودانه می‌داند که سفر به سوی ابدیت و لقای پروردگار را پیش رو دارد: (بَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَىٰ رَبِّكَ كَدْحًا فَمُلَاقِيهِ) (انشقاق / ۶) از سوی دیگر پیمودن این راه را پرخطر و آمیخته با انواع تنگناها و رنج‌ها دانسته است (لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي كَبَدٍ) (بلد / ۴) و راه رسیدن به مقصد را گذشتن از گذرگاه دشوار ابتلا می‌شمارد: (الَّذِي خَلَقَ

الْمَوْتَ وَالْحَيَاةَ لِيَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا) (ملک / ۲).

جنگ دوازده روزه میان ایران و اسرائیل در سال ۱۴۰۴ به عنوان یکی از جدیدترین و منحصر به فردترین نمونه‌های درگیری نظامی در منطقه ویژگی‌های خاصی دارد که اثرات روانی و معنوی آن قابل توجه و متفاوت از سایر جنگ‌ها است. این جنگ که با حملات هوایی غافلگیرکننده اسرائیل علیه زیرساخت‌های دفاعی، هسته‌ای و فرماندهان نظامی ایران آغاز شد؛ با واکنش موشکی ایران و در نهایت با میانجی‌گری آمریکا و قطر به آتش‌بس انجامید، نمادی از جنگ ترکیبی مدرن است که تلفیقی از عملیات نظامی مستقیم، جاسوسی، خرابکاری فناوری پیشرفته و جنگ روانی را به نمایش گذاشت. از ویژگی‌های بارز این جنگ استفاده اسرائیل از فناوری‌های دوکاربری برای هدف قرار دادن مراکز حیاتی ایران، توانمندی دفاعی قابل توجه ایران در مقابله با حملات و پیامدهای روانی قوی ناشی از ترور فرماندهان و دانشمندان هسته‌ای بود.

دو جنگ وعده صادق یک و دو نیز که در سال‌های اخیر رخ داده‌اند به دلیل بهره‌گیری از فناوری‌های پیشرفته سایبری، جنگ اطلاعاتی و عملیات ویژه بسیار دقیق تجربه‌هایی نوین از تروماهای روانی، معنوی و اجتماعی را تعریف کرده‌اند. این جنگ‌ها که در قالب عملیات مخفی، بمباران هوایی خاص و مقابله‌های روانی و اطلاعاتی دنبال شده‌اند، اهمیت ارائه مدل‌های مبتنی بر جامعه و معنویت اسلامی را بیش از پیش برجسته کرده‌اند زیرا تاب‌آوری نیروهای مسلح در مواجهه با این تهدیدات پیچیده نیازمند رویکردهای چندبعدی و بومی شده است که ضمن حفظ آمادگی عملیاتی، سلامت روان و معنویت را نیز تامین کند.

در این بستر مدل مبتنی بر جامعه که با تکیه بر آموزه‌های قرآن و نهج‌البلاغه و با دید تخصصی طب نظامی طراحی شده است، می‌تواند به عنوان الگویی نوین برای پاسخگویی به نیازهای روانی، معنوی و عملیاتی پس از تروماهای ویژه این جنگ‌ها مطرح شود. این مدل با تأکید بر تاب‌آوری معنوی و مسئولیت جمعی، ظرفیت‌های مقابله‌ای درونی و منابع بیرونی حمایت اجتماعی و عدالت را تلفیق می‌کند تا به حفظ عملکرد نظامی و رشد روانی-اجتماعی نیروهای نظامی و جوامع آسیب‌دیده کمک نماید.

روش‌ها

مفاهیم پیچیده در متون کیفی برای این پژوهش انتخاب گردید (۱۱). منابع داده در این پژوهش شامل قرآن کریم و سخنان حکیمانه امیرالمومنین (ع) در نهج‌البلاغه بود. برای اطمینان از پوشش کامل و جامع مفاهیم، داده‌ها با استفاده از نرم‌افزارهای تخصصی جامع‌التفاسیر نسخه ۴ (شامل بیش از ۳۵۰۰ جلد تفسیر قرآنی) و دانشنامه علوی نسخه ۲ (شامل بیش از ۳۸۹ جلد شروح و متون نهج‌البلاغه) گردآوری شدند.

نمونه‌گیری و جمع‌آوری داده‌ها

روش نمونه‌گیری هدفمند بود و داده‌ها بر پایه کلیدواژه‌های

و امتحان سنت خدا برای رشد امت‌ها» (خطبه / ۸۷) و به‌عنوان «خالص‌سازی بندگان» (خطبه / ۲۳۴) به این مفهوم پرداخته شده است. این واژه نمایانگر آزمون‌ها و دشواری‌هایی است که انسان و جامعه به‌منظور رشد و پاک‌سازی معنوی و اجتماعی تجربه می‌کنند. به طور مشخص کلیدواژه «فتنه» نماد بحران‌ها و آزمون‌های اجتماعی و سیاسی است که به‌عنوان «بلا سخت اجتماعی همه‌گیر» (انفال / ۲۵)، «شدت بحران‌های اجتماعی» (بقره / ۲۱۴) و «سنت همیشگی امتحان اجتماعی» (عنکبوت / ۳) در قرآن کریم آمده است و همچنین به‌عنوان «بحران‌های اجتماعی و پیامدهای استکبار»؛ (خطبه / ۱۹۲)، «روش مبارزه با فتنه‌های اجتماعی» (خطبه / ۵) و «آزمون‌های سیاسی و اجتماعی» (خطبه / ۱۸۰) در نهج‌البلاغه مورد بررسی قرار گرفته است.

اصطلاح «مصیبت» به معنای بار سنگین و عواقب ناخوشایند رنج‌ها و آزمون‌ها است که در قرآن کریم با موضوعاتی همچون «اصابت هر خیر و شر از خداوند»؛ (حدید / ۲۲، ۲۳)، «آزمایش الهی»؛ (حدید / ۲۲)، «حادثه ناگوار مثل مرگ» (بقره / ۱۵۶)، «مصیبت نتیجه اعمال»؛ (شوری / ۳۰) و در نهج‌البلاغه «راه مقابله با بلاها و مصیبت‌ها»؛ (حکمت / ۲۸۲، ۴۴۰) به تفصیل بیان شده است و بر ابعاد عمیق و معنوی این سختی‌ها تأکید می‌ورزد.

اصطلاح «صبر» به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین راهبردهای مقابله‌ای در قرآن کریم با موضوعاتی همچون «تشویق به صبر و پایداری جمعی و فردی» (آل‌عمران / ۲۰۰)، «صبر و تحمل به کمک خدا» (نحل / ۱۲۷)، «استعانت از صبر و نماز» (بقره / ۱۵۳)، «پایداری و صبر در کنار امام جامعه و در میدان جنگ» (انفال / ۴۶) مورد تأکید قرار گرفته است. همچنین در نهج‌البلاغه به مفهوم «صبر جمیل و تاب‌آوری معنوی» (خطبه / ۲۳۲ و حکمت / ۷۹) پرداخته شده است.

از سوی دیگر «شکر» که نشانه نگرش مثبت و قدردانی در برابر سختی‌هاست، در قرآن کریم با موضوعاتی همچون «شکرگزاری و افزایش نعمت‌ها» (ابراهیم / ۷)، «شکر و نعمت‌های خداوند» (اعراف / ۶۹)، «بازگشت آثار شکر برای خود انسان»؛ (لقمان / ۱۲) و «هدف آزمایشات الهی برای شاکر شدن بنده» (نمل / ۴۰) و در نهج‌البلاغه «تأکید بر شکر و تاب‌آوری» (خطبه / ۱۸۲ و خطبه / ۲۱۱) تبیین شده است.

اصطلاح «امت» که به معنای جامعه و مردم است در قرآن کریم با موضوعاتی همچون «جامعه واحد و همبسته» (آل‌عمران / ۱۰۳)، «لزوم برادری، اخوت و اصلاح روابط اجتماعی» (حجرات / ۱۰)، «امت واحده» (مؤمنون / ۵۲)، «امتحانات سخت امت‌ها برای تضرع» (انعام / ۴۲) ذکر شده و در نهج‌البلاغه «تبیین مسئولیت اجتماعی» (حکمت / ۴۷۰ و نامه / ۵۳) مورد تأکید قرار گرفته است. واژه «قوم» که اشاره به گروه‌ها و ملت‌ها دارد در قرآن کریم با موضوعاتی همچون «سرنوشت اقوام به دست خودشان» (رعد / ۱۱)، «انذار از سرنوشت اقوام» (هود / ۸۹، انبیا / ۱۱) بیان شده و در

استخراج‌شده از ریشه‌های لغوی واژگان مرتبط با موضوع تحقیق مانند رنج، تاب‌آوری، عدالت، وحدت و سایر کلیدواژگان مرتبط انتخاب شدند. جستجو در دو مرحله انجام شد.

مرحله اول: جستجوی اولیه برای گردآوری گسترده آیات قرآن و فرازهای نهج‌البلاغه با کلیدواژه‌های موضوعی که ۴۵۰ آیه و ۸۰ فراز موضوعی از نهج‌البلاغه استخراج شد.

مرحله دوم: غربالگری و بازخوانی موضوعی دقیق داده‌ها بر اساس معیارهای ورود بود که عبارت بودند از: ارتباط با رنج جمعی، واکنش‌های معنوی و انسجام اجتماعی و حذف داده‌های حاشیه‌ای یا غیرمرتبط مانند احکام فردی و مباحث آخرالزمانی. در نهایت مجموعه داده نهایی شامل ۱۲۰ آیه کلیدی قرآن و ۳۵ فراز از نهج‌البلاغه برای تحلیل انتخاب شد.

کلیدواژه‌های انتخاب شده از ریشه‌ها و مشتقات مفهیمی کلیدی و مرتبط با موضوع رنج، التیام و تاب‌آوری جمعی به شرح زیر بودند: ابتلا (آزمون الهی و بلاها) باریشه «ب ل و» و تکرار ۳۷ بار در آیات؛ فتنه (آشوب‌ها و بحران‌ها) از ریشه «ف ت ن» و تکرار ۵۹ بار در آیات؛ مصیبت (رنج‌ها و گرفتاری‌ها) از ریشه «ص و ب» و تکرار ۱۰ بار در آیات؛ صبر (بردباری و مقاومت) از ریشه «ص ب ر» و تکرار ۱۰۳ بار در آیات؛ شکر (قدردانی و تمرکز بر داشته‌ها) از ریشه «ش ک ر» و تکرار ۶۷ بار در آیات؛ امت و قوم (مفاهیم اجتماعی و جمعی) امت از ریشه «ء م م» و تکرار ۷۸ و قوم از ریشه «ق و م» و تکرار ۳۸۴ بار در آیات؛ سنت (قوانین و اصول الهی) از ریشه «س ن ن» و تکرار ۱۷ بار در آیات؛ عدل و ظلم (عدالت و بی‌عدالتی) از ریشه «ع د ل» و تکرار ۲۸ بار در آیات و همچنین از ریشه «ظ ل م» با تکرار ۲۶۶ بار در آیات؛ تفرقه و وحدت (انسجام و پراکندگی اجتماعی) از ریشه «ف ر ق» و تکرار ۱۱ بار در آیات و همچنین از ریشه «و ح د» و تکرار یکبار در آیات.

کلیدواژه‌های اصلی پژوهش شامل ریشه‌ها و مشتقات واژگانی بود که معانی بنیادین و مفاهیم کلیدی موضوع تحقیق را به طور جامع پوشش می‌دادند. این کلیدواژه‌ها به‌گونه‌ای انتخاب شدند که ابعاد مختلف معنوی، روانی و اجتماعی رنج پس از جنگ و فرایند التیام آن را در متون بنیادین اسلامی بازتاب دهند. برای هر کلیدواژه آیات متعددی از قرآن کریم و فرازهای مرتبط از نهج‌البلاغه به‌عنوان منابع مبنایی تحقیق مدنظر قرار گرفتند تا گستردگی و عمق مفهومی هر کلیدواژه به‌خوبی نمایان شود. به طور مشخص کلیدواژه «ابتلا» که محور اصلی بازتعریف رنج در این پژوهش است در آیات متعددی از جمله به‌عنوان «آزمون الهی» (بقره / ۱۵۵)، «آزمایش ایمان» (عنکبوت / ۲، ۳)، «خلقت برای امتحان و پرورش» (ملک / ۲)، «خالص‌سازی و تمحیص قلوب» (آل‌عمران / ۱۵۴) و «صبر و پایداری» (آل‌عمران / ۱۸۶) آمده است و در نهج‌البلاغه نیز به‌عنوان «ارزیابی اعمال بندگان» (خطبه / ۱۸۳)، «شکوفایی استعداد»؛ (نامه / ۵۵)، «شناخت واقعیت‌ها»؛ (حکمت / ۹۳)، «مشخص شدن میزان تحمل انسان‌ها»؛ (خطبه / ۹۱)، «بلا

ساختاری تاب‌آوری معنوی جامعه‌محور (۱۱). برای کدگذاری و مدیریت تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار MAXQDA نسخه ۲۰۲۴ استفاده شد که امکان تطبیق مداوم داده‌ها با مضامین و بررسی دقیق متن را فراهم نمود.

افزایش اعتبار و قابلیت اطمینان داده‌ها

برای تضمین اعتبار و قابلیت اطمینان یافته‌های پژوهش راهبردهای زیر با دقت اجرا شد: پژوهشگران بازتاب تأملی (Reflexivity) خود را در تمام مراحل تحقیق حفظ کردند تا پیش‌فرض‌ها را پایش و از سوگیری اجتناب نمایند؛ کلیه مراحل و تصمیمات پژوهشی از طریق «ردپای پژوهشی» (Audit Trail) مستندسازی دقیق شد؛ اعتبار یافته‌ها با حضور متخصصانی از حوزه طب نظامی، علوم قرآنی و روش‌های کیفی در قالب «بازبینی همتایی» (Peer Debriefing) بازبینی و اعتبارسنجی گردید؛ «تحلیل نمونه‌های منفی» (Negative Case Analysis) به منظور به چالش کشیدن مدل و اطمینان از جامعیت آن انجام پذیرفت؛ اصول اخلاقی و حساسیت‌های فرهنگی-دینی با رعایت احترام به متون مقدس و بهره‌گیری از تیم چندرشته‌ای مراعات شد و نهایتاً روش‌ها و یافته‌ها بر اساس استانداردهای چک‌لیست COREQ به شکلی شفاف گزارش گردید تا گزارش پژوهش دقیق و قابل تکرار باشد (۱۲).

ساختار تیم پژوهش

تحلیل داده‌ها توسط تیمی چندرشته‌ای متشکل از متخصصان طب نظامی، علوم قرآنی و علوم رفتاری به صورت تیمی انجام گردید تا تنوع نگاه تخصصی و عمق تحلیلی حاصل شود و کیفیت نهایی مدل درمان جامع تضمین گردد. با توجه به این چارچوب دقیق، مدل استخراج شده از تعامل مستمر و تعمیق تحلیلی بر متون قاعده‌مند، دقیق و منسجم بر مبنای قرآن و نهج‌البلاغه است که علاوه بر مسئله‌شناسی روانشناختی و معنوی، قابلیت کاربرد عملی در حوزه طب نظامی را داراست.

نتایج

تحلیل داده‌ها: از متن به الگو

در این تحقیق فرآیند تحلیل داده‌های متنی با کدگذاری اولیه آغاز شد. کدها عباراتی مفهومی هستند که به بخش‌های معنادار متن اختصاص داده می‌شوند و بیانگر مفاهیم اصلی مرتبط با رنج، تاب‌آوری معنوی و مقابله با ترومای جنگ دوازده روزه بودند. نمونه‌ای از کدگذاری اولیه در جدول ۱ ارائه شده است که بر اساس آیات قرآن کریم و فرازهای نهج‌البلاغه کدهای کلیدی استخراج شده‌اند.

در مرحله بعد کدهای اولیه مشابه در دسته‌های بزرگ‌تری به نام «مضامین سازمان‌دهنده» قرار گرفتند و این مضامین نیز به نوبه خود «مضامین فراگیر» یا همان مراحل اصلی الگو را تشکیل دادند (جدول ۲).

نهج‌البلاغه «بازخوانی سرنوشت اقوام» (خطبه / ۲۳۴) تحلیل گردیده است.

مفهوم «سنت» که به قوانین دائمی و ثابت الهی اشاره دارد در قرآن کریم با موضوعاتی همچون «فراگیر بودن سنت‌های الهی» (نساء / ۲۶)، «تغییر و تحول‌ناپذیری سنن الهی»؛ (احزاب / ۶۲) و «سنت غلبه حق بر باطل» (اسرا / ۸۱) آمده و در نهج‌البلاغه «قوانین و سنت‌های تخلف‌ناپذیر الهی» (خطبه / ۸۷) و قیاس‌ناپذیری سنن الهی (خطبه / ۹۰) روشن شده است.

مفهوم «عدل» که به عدالت فراگیر اجتماعی و الهی اشاره دارد در قرآن کریم با موضوعاتی همچون «اجرای عدالت» (نساء / ۵۸)، «رابطه عدالت‌ورزی و تقوا» (مائده / ۸)، «پایداری در عدالت» (انفال / ۲۹) و در نهج‌البلاغه «تأکید بر عدالت اجتماعی» (نامه / ۵۳ و خطبه / ۴۰) بیان شده است.

واژه «ظلم» که به معنی ستم و تجاوز به حق دیگران است در قرآن کریم با موضوعاتی همچون «عاقبت ستمگر» (شعرا / ۲۲۷)، «نابودی اقوام ظالم به خاطر ظلمشان» (قصص / ۵۹)، «خسارت بزرگ ظالمان» (اسرا / ۸۲) و در نهج‌البلاغه «انواع ظلم» (خطبه / ۱۷۵) و «بررسی تأثیرات ظلم در تغییر نعمت‌های فردی و اجتماعی» (نامه / ۵۳) مورد تحلیل قرار گرفته است.

مفهوم «تفرقه» که نشان‌دهنده شکاف‌ها و اختلافات اجتماعی است در قرآن کریم با موضوعاتی همچون «نهی از تفرقه اجتماعی» (آل عمران / ۱۰۳)، «موانع وحدت» (جاثیه / ۱۷، شوری / ۱۴)، «نتایج تفرقه» (انفال / ۴۶) و در نهج‌البلاغه «هشدار نسبت به تفرقه و برخورد سخت و قاطع با تفرقه‌گر» (خطبه / ۱۲۷) مورد توجه قرار گرفته است.

و در نهایت «وحدت» که نقطه مقابل تفرقه و نماد اتحاد اجتماعی و همبستگی روحی است، در قرآن کریم با موضوعاتی همچون «اعتصام به خدا و پیامبر سرآغازی برای وحدت» (آل عمران / ۱۰۳)، «دعوت به اتحاد» (حجرات / ۱۰)، «حمایت از همبستگی» (آل عمران / ۲۰۰) و در نهج‌البلاغه «تشویق به همبستگی» (خطبه / ۱۲۷) به صورت برجسته بیان شده است.

با انتخاب این کلیدواژه‌ها و استناد مستمر و دقیق به آیات متعدد قرآن کریم و بخش‌های مهمی از نهج‌البلاغه محققین توانستند تحلیل عمیق، ساختاری و منسجم مفاهیم مربوط به تاب‌آوری معنوی و التیام رنج پس از جنگ را ارائه دهند که پشتوانه غنی و روشمند دارد.

روش تحلیل داده‌ها

تحلیل محتوا بر اساس مدل شش مرحله‌ای براون و کلارک انجام شد که مراحل آن عبارتند از: ۱. آشنایی عمیق و مکرر با داده‌ها؛ ۲. کدگذاری اولیه مفاهیم و ابعاد روانی، معنوی و اجتماعی؛ ۳. تجمیع کدها و استخراج مضامین گسترده‌تر؛ ۴. بازبینی و پالایش مضامین برای تضمین انسجام و صحت مفهومی؛ ۵. تعریف و نامگذاری مضامین نهایی و ۶. ترکیب مضامین در قالب مدل

جدول-۱. نمونه‌های جامع از فرآیند کدگذاری اولیه متون

نمونه‌ای از متن منبع (شاهد)	کد اولیه استخراج‌شده
قرآن کریم (بقره/ ۱۵۵): (وَتَبَلَّوْا نَفْسَكُمْ بِشْيءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَتَقْصِرَ مِنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ)	مرتبط با مرحله اول: مفهوم‌سازی مجدد رنج آزمون الهی با سختی رنج هدفمند بشارت به صابران
قرآن کریم (عنکبوت/ ۲،۳): (أَحْسِبِ النَّاسُ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ... فَلْيَعْلَمَنَّ اللَّهُ الَّذِينَ صَدَقُوا وَلْيَعْلَمَنَّ الْكَاذِبِينَ)	مرتبط با مرحله دوم: درک سنت‌های الهی تغییر از درون مسئولیت جمعی در سرنوشت نقش انسان در تحولات
نهج‌البلاغه (خطبه/ ۱۹۲ [قاصعه]): «فَاعْتَبِرُوا بِمَا أَصَابَ الْأُمَّمَ الْمُسْتَكْبِرِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ مِنْ بَأْسِ اللَّهِ وَصَوَالَتِهِ وَوَقَائِهِ وَ مَثَلَاتِهِ»	عبرت‌آموزی از تاریخ نتایج تفرقه و استکبار قوانین ثابت حاکم بر جوامع
قرآن کریم (آل عمران/ ۲۰۰): (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا...)	مرتبط با مرحله سوم: فعال‌سازی منابع مقابله‌ای صبر فردی صبر جمعی و متقابل پایداری استراتژیک (بر اساس روایات ذیل آیه: مرزبانی یا همبستگی و هماهنگی اجتماعی یا ارتباط با امام جامعه)
نهج‌البلاغه (نامه/ ۵۳ [به مالک اشتر]): «وَ أَسْعِرْ قَلْبَكَ الرَّحْمَةَ لِلرَّعِيَّةِ ... فَإِنَّهُمْ صِفَانٌ إِمَّا أَحْكُ لَكَ فِي الدِّينِ وَإِمَّا تَنْظِيرُ لَكَ فِي الْخَلْقِ»	شفقت و رحمت فراگیر مبنای انسجام اجتماعی برابری انسانی
قرآن کریم (ابراهیم/ ۷): (وَإِذْ تَأَذَّنَ رَبُّكُمْ لَئِن شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ)	شکرگزاری به‌مثابه راهبرد مقابله‌ای تمرکز بر داشته‌ها
قرآن کریم (انشراح/ ۵۶): (فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا)	مرتبط با مرحله چهارم: افق‌گشایی و رشد همراهی آسانی و سختی امید قطعی به گشایش تکرار برای تأکید
نهج‌البلاغه (حکمت/ ۳۵۱): «عِنْدَ تَنَاهِي الشَّدَةِ تَكُونُ الْفَرَجَةُ وَ عِنْدَ تَضَائِقِ حَلْقِ الْبَلَاءِ يَكُونُ الرَّخَاءُ»	نقطه اوج بحران، نقطه شروع گشایش پیامد مثبت بحران گشایش پس از تنگنا

جدول-۲. فرآیند شکل‌گیری مضامین فراگیر از کدهای اولیه و مضامین سازمان‌دهنده

مضمون فراگیر (مرحله الگو)	مضمون سازمان‌دهنده	کدهای اولیه استخراج‌شده از متن
مرحله اول: مفهوم‌سازی مجدد رنج	معنادار کردن رنج	آزمون الهی هدفمند، رنج برای رشد، بی‌معنا نبودن حوادث، خالص‌سازی جامعه، آشکارشدن جوهره انسان‌ها، بشارت به صابران
مرحله دوم: درک سنت‌های الهی	تمايز بين آزمون و عقوبت قوانین حاکم بر جامعه	سختی برای مؤمنان، فرصت بازگشت، بلا برای بیداری تغییر از درون، نقش انسان در سرنوشت، هلاکت اقوام ظالم، نتایج تفرقه، کلید پیروزی، ثابت و لایتغیر بودن سنت‌ها
مرحله سوم: فعال‌سازی منابع مقابله‌ای	مسئولیت‌پذیری جمعی عبرت‌آموزی از تاریخ	هر فرد مسئول جامعه است، امر به معروف و نهی از منکر اجتماعی، پاسخگویی حاکمان، نقش خواص و عوام نگاه به سرنوشت گذشتگان، تکرار تاریخ، استفاده از تجربه دیگران
مرحله چهارم: افق‌گشایی و رشد	منابع مقابله‌ای درونی (معنوی) منابع مقابله‌ای بیرونی (اجتماعی) پیامد مثبت بحران	صبر فعال و استقامت، شکرگزاری در سختی، توکل و اعتماد به خدا، دعا و نیایش، رضا و تسلیم هدفمند، امید به نصرت الهی انسجام و وحدت کلمه، شفقت و رحمت فراگیر، عدالت‌ورزی، حمایت از مظلوم، همبستگی و مواسات، بازسازی اعتماد اجتماعی
امید به آینده	همراهی آسانی و سختی، گشایش پس از شدت، تبدیل‌شدن به الگو برای دیگران، افزایش بصیرت و آگاهی جامعه، قوی‌تر شدن پس از سختی	وعده پیروزی نهایی، حتمی بودن نصرت الهی، نگاه به آینده آرمانی، عدم یأس از رحمت خدا

تحلیل تفصیلی مراحل چهارگانه الگو

تحلیل نهایی نشان داد که این مضامین فراگیر یک فرآیند منطقی و پیوسته را تشکیل می‌دهند. این الگو یک مسیر خطی و ساده نیست بلکه یک فرآیند پویاست که در هر مرحله با چالش‌های معنوی خاص خود همراه است.

مرحله اول: مفهوم‌سازی مجدد رنج: این مرحله تأکید می‌کند که رنج جمعی ناشی از جنگ نه تصادفی بلکه ابتلا یا آزمون الهی هدفمند است؛ مفهومی که در قرآن کریم مانند سوره بقره (آیه ۱۵۵) به وضوح بیان شده است. این بازتعریف روان‌شناختی و معنوی باعث ایجاد معنا و هدف در رنج می‌شود و جامعه را از حالت قربانی منفعل به کنشگر فعال تبدیل می‌کند. چالش معنوی این مرحله کشمکش‌های درونی مرتبط با پرسش از دلیل وجود رنج و احساس دوری از خداوند است.

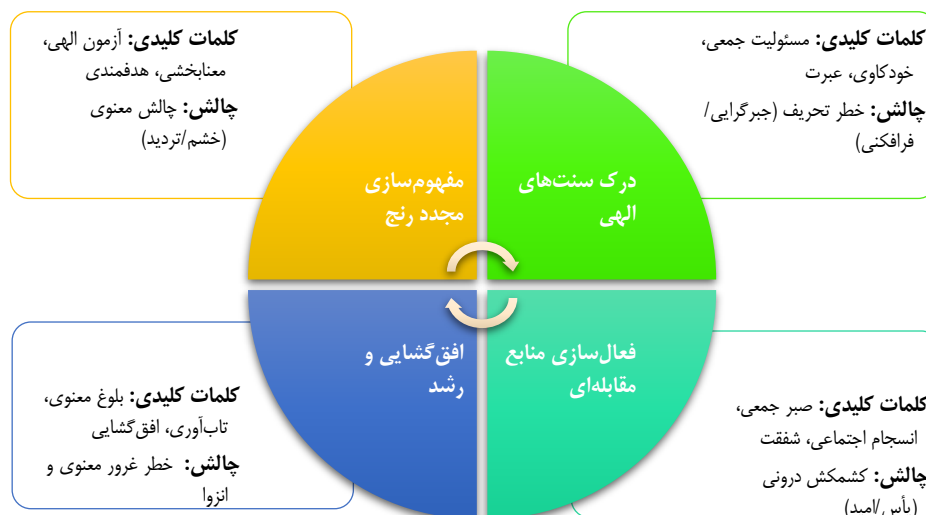
مرحله دوم: درک سنت‌های الهی: پس از پذیرش معنا و هدف رنج، جامعه به فهم عمیق‌تری از قوانین الهی و نقش مسئولیت جمعی می‌رسد. سوره رعد (آیه ۱۱) نقش تغییر درونی برای تحول بیرونی جامعه را تشریح می‌کند. این مرحله جامعه را به خودکاوی و پذیرش مسئولیت هدایت می‌کند ولی خطر تحریف و جبرگرایی نیز در این مسیر وجود دارد که باید مدیریت شود.

مرحله سوم: فعال‌سازی منابع مقابله‌ای: این مرحله بر

به‌کارگیری راهبردهای مقابله‌ای معطوف است که هم از درون (مانند صبر، شکر و توکل) و هم از بیرون (مانند انسجام اجتماعی، رحمت و عدالت) نشأت می‌گیرند. سوره آل عمران (آیه ۲۰۰) صبر جمعی، فردی و استراتژیک را تشویق می‌کند و نهج البلاغه نیز انسجام و شفقت اجتماعی را تأیید می‌کند. کشمکش درونی ناشی از انتخاب میان سازگاری و تخریب، ویژگی مهم این مرحله است.

مرحله چهارم: افق‌گشایی و رشد معنوی: پیامد عبور موفق از مراحل گذشته شکل‌گیری رشد معنوی و تاب‌آوری بالاست که قرآن در سوره انشراح به آن اشاره می‌کند: «فإن مع العسر يسرا». این رشد پایدار، فراتر از بهبودی صرف است و شامل تکامل معنوی جامعه در برابر آزمون‌های الهی متعدد می‌شود. چالش اصلی این مرحله پرهیز از غرور معنوی و انزوای اجتماعی است که می‌تواند انسجام و همدلی را تهدید کند.

این چهار مرحله الگویی چرخه‌ای و پویا برای تاب‌آوری معنوی جامعه پس از ترومای جنگی ترسیم می‌کند که شایسته بازبینی، تعمیق و کاربرد در طب نظامی و حوزه‌های بالینی مرتبط است. شکل ۱ این چرخه چهارمرحله‌ای را به تصویر می‌کشد که انتقال از رنج به تاب‌آوری معنوی را با توجه به چالش‌های هر مرحله نشان می‌دهد و الگو را به صورت یک فرآیند تکاملی و مستمر نمایش می‌دهد.



شکل-۱. الگوی مفهومی چرخه‌ای گذار از رنج به تاب‌آوری معنوی. این نمودار نشان‌دهنده فرآیند پویای بازسازی معنا و رشد معنوی است که از چهار مرحله بازتعریف رنج، درک سنت‌های الهی، فعال‌سازی منابع مقابله‌ای و افق‌گشایی و رشد تشکیل شده است. فلش‌های بازگشتی بیانگر پویایی مستمر این چرخه و بازتولید سرمایه روانی-معنوی در بستر اجتماعی و نظامی هستند.

بحث

پژوهش حاضر با هدف استخراج مدلی جامع و واقع‌بینانه برای تاب‌آوری معنوی جامعه‌محور پس از ترومای جنگ دوازده روزه بر اساس متون قرآن کریم و نهج البلاغه و با رویکرد تخصصی طب نظامی انجام شد. نتایج به شکل سازمان یافته، دقیق و با استناد به متون قرآنی و نهج البلاغه که با رویکرد تحلیل محتوا و مبتنی بر

چک‌لیست COREQ اجرا شده است، ارائه شده‌اند و نمونه مشخصی از کاربرد روش‌های تخصصی معنویت مبتنی بر متون دینی در طب نظامی به حساب می‌آیند.

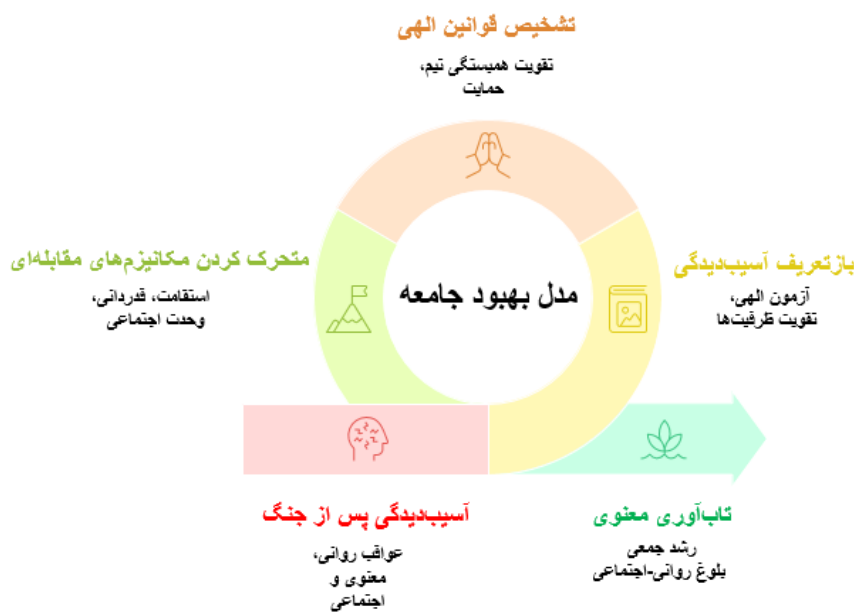
یافته اصلی این مطالعه مدل چرخه‌ای و چهارمرحله‌ای است که فراتر از مدل‌های رایج روان‌شناختی، ابعاد معنوی، اجتماعی و چالشی تاب‌آوری را مدنظر قرار می‌دهد و سلامت معنوی را

پیشین در زمینه تاب‌آوری معنوی اسلامی که تأکید بر همبستگی اجتماعی، صبر و تقوا دارد هماهنگ است (۱۳) و چارچوب نظری پربراری بر اساس آموزه‌های قرآنی و نهج‌البلاغه را تکمیل می‌کند. همچنین، مدل حاضر نسبت به رویکردهای فردمحور روان‌درمانی‌ها نظیر روش‌های شناختی-رفتاری در اختلال استرس پس از سانحه که به جنبه‌های معنوی کمتر پرداختند (۱۴)، غنای بومی و فرهنگی مطلوب‌تری برای جوامع دین‌مدار ارائه می‌دهد. از جهتی دیگر مفهوم‌پردازی «چالش معنوی» به عنوان یکی از مولفه‌های اساسی مدل نشان‌دهنده نقشی پویا و چندوجهی دین در سلامت روانی است که هم آرامش‌بخش و هم محفلی برای تردیدها و بازنمایشی‌های عمیق است و فضایی امن برای طرح سوالات بنیادی و گفت‌وگوی انتقادی ضرورت دارد. این بُعد در برخی رویکردهای رایج علمی کمتر مورد توجه قرار می‌گیرد.

رویکرد جامعه‌محور این الگو با تأکید بر وحدت، کمک متقابل و عدالت، مدل مقابله‌ای همه‌جانبه را مطرح می‌کند که ضمن تقویت منابع درونی معنوی، به بازسازی و حفظ انسجام اجتماعی می‌پردازد. این نکته برای حوزه طب نظامی که سلامت معنوی و روانی نیروها در آمادگی عملیاتی کلیدی است، اهمیت ویژه‌ای دارد (۱۵).

به‌عنوان فرآیندی مستمر و تکاملی معرفی می‌کند که با عبور از آزمون‌ها و چالش‌های معنوی و اجتماعی به بلوغ ایمانی و تعمیق تاب‌آوری جمعی می‌انجامد. پژوهش حاضر با ارائه الگویی بومی، پویا و چندسطحی از تاب‌آوری معنوی پس از تروما تلاشی است در جهت تبیین چگونگی گذار سازنده فرد و جامعه از رنج به رشد با اتکا به مفاهیم الهی، منابع درونی و انسجام جمعی. این مدل مفهومی با تمرکز بر تعامل بین مؤلفه‌های شناختی، عاطفی، رفتاری و معنوی چهار مرحله پیوسته «بازتعریف رنج»، «پذیرش سنت‌های الهی»، «فعال‌سازی منابع مقابله‌ای» و «افق‌گشایی و رشد معنوی» را به‌عنوان مسیر تدریجی بازسازی روانی و اجتماعی ترسیم می‌کند (شکل ۲).

نتایج نشان می‌دهد که بازتعریف رنج جنگ به‌عنوان «بتلا» یا آزمون الهی هدفمند، زمینه‌ساز ایجاد معنا و اهداف روشن در مواجهه با آلام روانی و معنوی است. این بازتعریف برخلاف نگاه قربانی منفعل، فرد و جامعه را به کنشگری فعال دعوت می‌کند و با پذیرش چالش‌های معنوی و کشمکش‌های ایمانی در مسیر رشد مؤمنانه، سازوکار تاب‌آوری را از ابعاد صبورانه، شاکرانه، توکل‌آمیز و مسئولیت‌پذیری جمعی شکل می‌دهد. این یافته‌ها با مطالعات



شکل-۲. مدل بهبود اسلامی برای آسیب‌های نظامی یک فرآیند چرخه‌ای را به تصویر می‌کشد که در آن هر مرحله، هم بازتابی از مرحله پیشین است و هم پایه‌ای برای مرحله بعدی فراهم می‌سازد. در محور مرکزی این مدل، تاب‌آوری معنوی قرار دارد که حاصل هم‌کنشی و هم‌افزایی این مراحل است و همزمان ریشه در باورهای الهی، انسجام اجتماعی و نظام معنایی مشترک دارد.

بودن و افزایش احساس کنترل درونی می‌شود. در واقع از منظر روان‌شناسی معنوی بازتعریف شناختی مبتنی بر باور دینی می‌تواند سیستم پردازش هیجانی را بازتنظیم کرده و مانع از تثبیت تجربه تروما به‌صورت آسیب‌زا گردد (۱۶). این مرحله پایه شکل‌گیری تاب‌آوری معنا‌محور در مواجهه با بحران‌های جمعی و نظامی است.

بازتعریف رنج به‌عنوان نقطه‌ی آغاز بازسازی معنا
مرحله نخست این الگو با «بازتعریف رنج» آغاز می‌شود؛ فرآیندی که در آن فرد یا جامعه رنج را نه به‌عنوان شکست یا فقدان بلکه به‌مثابه آزمون الهی و فرصتی برای رشد درک می‌کند. چنین بازتعریفی با تغییر معنایی بنیادین منجر به کاهش احساس قربانی

در زمینه‌های مختلف عملیاتی است تا کارایی آن در شرایط واقعی ارزیابی گردد.

کاربرد برای جوامع نظامی

الگوی حاضر می‌تواند به‌عنوان چارچوبی راهبردی برای ارتقای سلامت روان و انسجام عملیاتی در جوامع نظامی مورد استفاده قرار گیرد. نیروهای نظامی به‌طور ذاتی با سطوح بالایی از فشار روانی، فقدان، مرگ و تعارض‌های اخلاقی مواجه‌اند؛ در چنین بافتی مداخلات صرفاً روان‌شناختی غالباً قادر به پاسخ‌گویی به عمق تجربه وجودی و ارزشی نیروها نیستند. مدل پیشنهادی با ترکیب ابعاد معنوی و روانی بستری برای «بازسازی معنا» در سطح فردی و «احیای همبستگی اخلاقی» در سطح سازمانی فراهم می‌سازد. در سطح فردی، این مدل می‌تواند به کاهش علائم استرس پس از سانحه و بهبود سازگاری پس از مأموریت منجر شود زیرا بازتعریف رنج به‌عنوان مأموریتی الهی و رشدآور، احساس شرم، گناه و بی‌معنایی را تعدیل می‌کند. در سطح بین‌فردی، تقویت انسجام تیمی و حس تعلق به یک مأموریت معنوی مشترک مانع از انزوای روانی و فرسودگی عاطفی نیروها می‌شود. در سطح سازمانی، مدل می‌تواند با طراحی برنامه‌های آموزشی مبتنی بر معنویت، حمایت از رهبران اخلاق‌مدار و ایجاد سیاست‌های مراقبتی برای خانواده‌ها به بازتولید سرمایه اخلاقی و اجتماعی در میان نیروها کمک کند. از دیدگاه راهبردی، این چارچوب قابلیت ادغام در برنامه‌های رسمی سلامت جامع نظامی را دارد و می‌تواند به‌عنوان زیربنای طراحی پروتکل‌های روان-معنوی در مواجهه با بحران‌های گسترده از جمله جنگ‌های نامتقارن، بلایا یا مأموریت‌های صلح مورد استفاده قرار گیرد. به بیان دیگر، تاب‌آوری معنوی نه تنها تغییری حفاظتی در برابر آسیب‌های روانی است بلکه عاملی برای حفظ انسجام اخلاقی، وفاداری سازمانی و تصمیم‌گیری مسئولانه در محیط‌های پرتنش نظامی به‌شمار می‌رود.

نتیجه‌گیری

مطالعه حاضر مدلی نوآورانه، منسجم و بومی برای تاب‌آوری معنوی در جوامع نظامی متأثر از جنگ ارائه داده است که علاوه بر پوشش ابعاد روانی، معنوی و اجتماعی، کارکرد عملی قابل توجهی در طراحی مداخلات تخصصی سلامت معنوی و توانمندسازی جمعی دارد. این مدل هم‌راستا با آموزه‌های قرآنی و نهج‌البلاغه و مطابق با روش‌شناسی کیفی استاندارد، افق جدیدی در پژوهش‌های سلامت معنوی در محیط‌های نظامی و بحران‌زده باز می‌کند و می‌تواند پایه‌ای برای توسعه مطالعات و برنامه‌های بالینی آینده باشد. به‌طور کلی مدل مفهومی ارائه‌شده گذار از «رنج» به «شد معنوی» را نه به‌عنوان فرایندی فردی بلکه به‌مثابه پدیده‌ای چندسطحی و اجتماعی می‌نگرد که می‌تواند مبنای طراحی مداخلات جامع برای سلامت روان نظامی باشد. این مدل با تلفیق منابع دینی، روان‌شناختی و اجتماعی الگویی پویا برای بازسازی معنا، تقویت

درک سنت‌های الهی و مسئولیت‌پذیری اجتماعی

در مرحله دوم «درک سنت‌های الهی» و پذیرش مسئولیت جمعی محوریت دارد. این مؤلفه از سویی موجب کاهش احساس بی‌عدالتی و بی‌معنایی در مواجهه با فجایع انسانی می‌شود و از سوی دیگر حس مأموریت اخلاقی و وظیفه‌مندی اجتماعی را تقویت می‌کند. در بافت‌های نظامی این سطح از معناسازی می‌تواند به انسجام اخلاقی نیروها، همبستگی تیمی و تعهد به اصول انسانی در شرایط پرتنش کمک کند (۱۷). با این حال نظارت اخلاقی و آموزش بین‌رشته‌ای ضروری است تا از خطر تقلیل مفاهیم الهی به قالب‌های ایدئولوژیک یا انضباطی پیش‌گیری شود.

فعال‌سازی منابع مقابله‌ای و شبکه‌های حمایتی

مرحله سوم فعال‌سازی هم‌زمان منابع درونی (مانند ایمان، توکل، صبر و شکرگزاری) و منابع بیرونی (نظیر حمایت اجتماعی، رهبری معنوی، عدالت ساختاری و انسجام سازمانی) را دربر می‌گیرد. این مرحله در واقع گذار از معنا به اقدام است و قابلیت پیاده‌سازی مستقیم در پروتکل‌های سلامت روان نظامی را دارد. به‌طور خاص، طراحی بسته‌های آموزشی تاب‌آوری معنوی برای فرماندهان، برنامه‌های همیار-واحدی، نظام مشاوره معنوی و سیاست‌های حمایت اجتماعی از خانواده‌ها از راهکارهای عملی این مرحله محسوب می‌شود (۱۸).

افق‌گشایی و رشد معنوی

مرحله چهارم بازتاب و بلوغ کل چرخه است؛ جایی که فرد یا جامعه به سطحی از رشد معنوی دست می‌یابد که قادر است رنج را در بستر معنا، مسئولیت و امید بازسازی کند. این مرحله با شکل‌گیری هویت جمعی جدید و افزایش سرمایه اجتماعی همراه است و موجب پایداری تاب‌آوری در برابر آسیب‌های آتی می‌شود. از منظر کلینیکی و سازمانی این سطح از رشد معنوی با شاخص‌هایی نظیر بهبود کارکرد روانی، بازگشت عملکرد عملیاتی و ارتقای کیفیت روابط بین‌فردی قابل سنجش است (۱۹).

محدودیت‌های پژوهش

محدودیت‌های این پژوهش عمدتاً ناشی از ماهیت کیفی و مفهومی آن است که محدودیت‌هایی در تعمیم نتایج به دیگر حوزه‌ها و فرهنگ‌ها به وجود می‌آورد. این موضوع به روشنی با رعایت دقیق ابعاد ذکر شده در چک‌لیست COREQ به حداقل رسید اما لازم است در مطالعات آتی با روش‌های تجربی، کمی و در موقعیت‌های متنوع، کارآمدی و قابلیت تعمیم این مدل مورد سنجش قرار گیرد. استفاده از مفاهیم دینی و معنوی در نظام‌های رسمی دفاعی مستلزم حساسیت اخلاقی بالاست. هرگونه القای اجباری باور یا تفسیر ایدئولوژیک با اصول آزادی عقیده و سلامت حرفه‌ای در تعارض است (۲۰). بنابراین، آموزش‌های معنوی باید داوطلبانه، چندمنبعی و با نظارت متخصصان اخلاق نظامی و روان‌شناسان بالینی صورت گیرد. از سوی دیگر مطالعه حاضر به‌دلیل ماهیت کیفی و نظری نیازمند آزمون تجربی و کمی‌سازی

معاونت تحقیقات و فناوری دانشگاه علوم پزشکی بقیه الله (عج) تشکر و قدردانی می‌نماید.

تضاد منافع: نویسندگان تصریح می‌کنند که هیچ‌گونه تضاد منافی در مطالعه حاضر وجود ندارد.

انسجام جمعی و ارتقای آمادگی عملیاتی ارائه می‌دهد. اعتبارسنجی تجربی و توسعه ابزارهای سنجش اختصاصی برای تاب‌آوری معنوی، گام‌های بعدی ضروری برای استقرار علمی و عملی این مدل است.

تشکر و قدردانی: بدینوسیله نویسندگان از حمایت‌های

منابع

1. Perepelytsia H. The dilemma of war and peace in the trend of the XXI century (Russian-Ukrainian case). *Przegląd Strategiczny*. 2021;11(14):249-75.
2. Moreno-Chaparro J, Piñeros-Ortiz S, Rodríguez-Ramírez L, Urrego-Mendoza Z, Samacá-Samacá D, Garzón-Orjuela N, et al. Mental health consequences of armed conflicts in adults: an overview. *Actas Espanolas de Psiquiatria*. 2022;50(2):68-91.
3. Eslami M, Al-Marashi I. The Cold War in the Middle East: Iranian Foreign Policy, Regional Axes, and Warfare by Proxy. In *The Arms Race in the Middle East: Contemporary Security Dynamics*. Cham: Springer International Publishing, 2023. pp. 111-123. doi:10.1007/978-3-031-32432-1_7
4. Atanasiu M. Middle Eastern Proxy Wars Waged on the Background of Civil Wars. *Vojenské rozhledy*. 2021;30(3):27-44.
5. Deitch M, Valensi C. Violent Conflicts in the Middle East: A Quantitative Perspective. *Strategic Assessment*. 2020;23(1):20-39.
6. Pedersen D. Political violence, ethnic conflict, and contemporary wars: broad implications for health and social well-being. *Social Science & Medicine*. 2002;55(2):175-90. doi:10.1016/S0277-9536(01)00261-1
7. Ford JD, Grasso DJ, Elhai JD, Courtois CA. Social, cultural, and other diversity issues in the traumatic stress field. *Posttraumatic Stress Disorder*. 2015: 503-46. doi:10.1016/B978-0-12-801288-8.00011-X
8. Bovey M, Hosny N, Dutray F, Heim E. Trauma-related cultural concepts of distress: A systematic review of qualitative literature from the Middle East and North Africa, and Sub-Saharan Africa. *SSM-Mental Health*. 2025;100402. doi:10.1016/j.ssmmh.2025.100402
9. Cucchi A, Qoronfleh MW. Cultural perspective on religion, spirituality and mental health. *Frontiers in Psychology*. 2025;16:1568861. doi:10.3389/fpsyg.2025.1568861
10. Pastwa-Wojciechowska B, Grzegorzewska I, Wojciechowska M. The role of religious values and beliefs in shaping mental health and disorders. *Religions*. 2021;12(10):840. doi:10.3390/rel12100840
11. Braun V, Clarke V. *Thematic analysis: A practical guide*. 2021.
12. Tong A, Sainsbury P, Craig J. Consolidated criteria for reporting qualitative research (COREQ): a 32-item checklist for interviews and focus groups. *International Journal for Quality in Health Care*. 2007;19(6):349-57. doi:10.1093/intqhc/mzm042
13. Saritoprak SN, Exline JJ. Religious coping among Muslims with mental and medical health concerns. In *Working with Muslim clients in the helping professions*. IGI Global. 2020. pp. 201-220. doi:10.4018/978-1-7998-0018-7.ch011
14. Viftrup DT, Hvidt NC, Buus N. Spiritually and religiously integrated group psychotherapy: A systematic literature review. *Evidence-Based Complementary and Alternative Medicine*. 2013; 2013(1):274625. doi:10.1155/2013/274625
15. Besterman-Dahan K, Gibbons SW, Barnett SD, Hickling EJ. The role of military chaplains in mental health care of the deployed service member. *Military Medicine*. 2012;177(9):1028-33. doi:10.7205/MILMED-D-12-00071
16. Pargament K, Cummings J. *Anchored by faith: Religion as a resilience factor in handbook of adult resilience*. London, NY: The Guilford Press; 2010.
17. Farnsworth JK, Drescher KD, Evans W, Walser RD. A functional approach to understanding and treating military-related moral injury. *Journal of Contextual Behavioral Science*. 2017;6(4):391-7. doi:10.1016/j.jcbs.2017.07.003
18. Brémault-Phillips S, Pike A, Scarcella F, Cherwick T. Spirituality and moral injury among military personnel: A mini-review. *Frontiers in Psychiatry*. 2019;10:276. doi:10.3389/fpsyg.2019.00276
19. Wallick A, Feinman A, Brown JT, Brown LM. *Resilience and Mental Health*. In *Emotion, Well-Being, and Resilience*. Apple Academic Press. 2021. pp. 33-49.
20. Bodescu A. Professional military ethics. the essential foundation for educating future officers in law of armed conflict. *Revista Academiei Fortelor Terestre*. 2024;4(116):444-58.